

Spatial Differences of Quality of Life in Urban Tissues of Nowshahr, Iran

Khadigeh Bagherian¹, Seyyed Hadi Hosseini^{2*}, Mohammad Salmani Moghadam³

1. Master of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; kh.bagherian@gmail.com
2. Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (Corresponding Author); Sh.hosseini@hsu.ac.ir
3. Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran; ml_moghadam@yahoo.com

Original Article

Abstract

Background and Aim: This study aims to examine the spatial differences in the quality of life of citizens in three urban tissues (old, middle and modern) of Nowshahr a city in Mazandaran Province, Iran. It also examines the impact of artificial environment conditions, such as infrastructure, services, and facilities, on the quality of life of citizens in different urban tissues. Considering the differences in the physical, social, cultural and economic conditions of these tissues, assessing the quality of life indicators can provide better and more efficient thematic and local programs to enhance the quality of life of the citizens.

Methods and Data: The study employed a survey method to gather data from individuals aged 20 and above residing in Nowshahr's three urban areas (old, middle, and modern). A sample size of 380 was determined using Cochran's formula.

Findings: The results indicate that the quality of life for citizens is unsatisfactory in both objective and subjective dimensions, regardless of whether they reside in old or new urban areas in Nowshahr. However, the situation is slightly different in the middle urban area. Analysis of the impact of background variables on quality of life reveals that these variables can have varying influences depending on the type of urban tissue and residents' location.

Conclusion: This research highlights the importance of considering both the characteristics of the built environment and living place, as well as the individual and social characteristics of people, in urban planning, especially in social planning. It is crucial to take a holistic approach to ensure that urban environments are designed to meet the needs of all individuals and communities. This can help us to build more livable and sustainable cities for everyone.

Keywords: Quality of life, Urban tissues, Spatial differences, Objective dimension, Subjective dimension, Nowshahr.

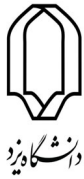
Key Message: Urban environments are complex systems that need diverse and context-specific approaches and methods to improve the quality of life and urban environments. Understanding these complexities is crucial for comprehending the city and developing strategies that promote social harmony and continuity, ultimately leading to cohesive urban communities.

Received: 28 May 2022

Accepted: 05 August 2022

Citation: Bagherian, K., Hosseini, S.H., & Salmani Moghadam, M. (2023) Spatial Differences of Quality of Life in Urban Tissues of Nowshahr. *Journal of Social Continuity and Change*, 2(1): 129-150.
<https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2769>





تحلیل تفاوت‌های فضایی کیفیت زندگی در بافت‌های شهری نوشهر

خدیدجه باقریان^۱، سیدهدادی حسینی^{۲*}، محمد سلمانی مقدم^۳

۱- دانش‌آموخته کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران؛ kh.bagherian@gmail.com

۲- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)؛ sh.hosseini@hsu.ac.ir

۳- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران؛ ml_moghadam@yahoo.com

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به تفاوت‌های مکانی کیفیت زندگی و نقش شرایط محیط مصنوع در کیفیت زندگی شهروندان، این پژوهش به دنبال بررسی تفاوت شاخص‌های کیفیت زندگی میان بافت‌های سه‌گانه (قدیم، میانی و جدید) است. با توجه به تفاوت شرایط کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این بافت‌ها، شناخت کیفیت زندگی در شاخص‌های مختلف می‌تواند به ارائه برنامه‌های موضوعی و موضعی بهتر و کارآمدتر برای ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان این بافت‌ها کمک نماید.

روش و داده‌ها: این تحقیق به لحاظ هدف، توسعه‌ای-کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های تجربی از روش پیمایشی استفاده گردید. جامعه آماری افراد بالای ۲۰ سال و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۰ نفر به دست آمد.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که هم در بُعد عینی و هم در بُعد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان شهر نوشهر از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نمی‌باشد. این وضعیت برای بافت‌های قدیم و جدید شهر نوشهر نیز صادق است. اما در بافت میانی وضعیت اندکی متفاوت می‌باشد. تحلیل اثر متغیرهای زمینه‌ای بر کیفیت زندگی نشان داد که کم‌ویف چگونگی تأثیرگذاری این متغیرها بر اساس نوع بافت شهری و مکان زندگی افراد می‌تواند متفاوت باشد.

نتیجه‌گیری: نکته کلیدی در این پژوهش، تأکید بر توجه به ویژگی‌های محیط مصنوع و مکان زندگی، در کنار ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد در حوزه انواع برنامه‌ریزی‌های شهری و خصوصاً اجتماعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، بافت شهری، تفاوت فضایی، بعد عینی، بعد ذهنی، نوشهر

پیام اصلی: با توجه به تنوع و تعدد محیط‌های شهری و چالش‌ها و پتانسیل‌های متنوع آنها، بایستی از رویکرد و روش‌های متنوع و متکثر با توجه به بافت و زمینه برای بهبود کیفیت زندگی و زیست محیط‌های شهری بهره گرفت. قطعاً فهم این تفاوت‌ها و گونه‌گونی‌ها، پیش زمینه شناخت شهر و برنامه‌ریزی برای ایجاد شهرهایی منسجم و برخوردار از انسجام و پیوستگی اجتماعی می‌باشد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

ارجاع: باقریان، خدیدجه؛ حسینی، سیدهدادی؛ سلمانی مقدم، محمد (۱۴۰۲). تحلیل تفاوت‌های فضایی کیفیت زندگی در بافت‌های شهری نوشهر، تداوم و تغییر اجتماعی، (۱)۲: ۱۵۰-۱۲۹. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2769>



مقدمه و بیان مسأله

یکی از گرایش‌های نو، که تأثیر شگرفی در فرایند تحول دیدگاه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی شهری در نیمه دوم قرن بیستم داشته است، نظریه‌های اجتماعی و کیفی توسعه است. سازمان ملل با این نگاه به توسعه و به منظور توجه به بُعد انسانی آن از سال ۱۹۹۰ مفهوم توسعه انسانی را به ادبیات توسعه وارد نمود. توجه به مقوله کیفیت زندگی در سال‌های اخیر را نیز می‌توان در همین راستا (تغییر نگاه از توسعه یک بُعدی و کمی به توسعه چندبُعدی و کیفی) مورد اهتمام قرارداد (کوکبی، ۱۳۸۴: ۱). موضوع کیفیت زندگی به خصوص در زمینه شهری در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده است (Li et al, 2007; Moro et al, 2008) و تبدیل به عنصری حیاتی در رقابت بین شهرها و مناطق آن شده است (Shapiro, 2006; Partridge, 2010; Florida, 2017).

توجه عملی به تحقیق در این عرصه، تعداد زیادی از رشته‌های علمی از جمله روان‌شناسی، پزشکی، اقتصاد، علوم محیطی، جامعه‌شناسی، جغرافیا و ... را شامل می‌شود. یکی از دلایل این امر را می‌توان در گسترش شهرنشینی و مشاهده آفتنگی‌ها، آسیب‌ها و ناپایداری‌هایی دانست که در مناطق شهری شکل گرفته و رو به افزایش است. از مهم‌ترین پیامدهای چنین نابرابری و چالش‌هایی می‌توان به دوگانگی و تضادی اشاره کرد که در قالب شکل‌گیری دو مدار سیستمی مجزا و با مرزبندی‌های پیدا و پنهان و لایه‌بندی‌های اجتماعی-اقتصادی در شهرها قابل مشاهده است. دوگانگی و تضادی که عمدتاً از آن با نام‌هایی چون «شهر آفتابگیر و شهر برفگیر»، «شهر طلا و شهر نقره»، «شهر روشنائی‌ها و شهر تاریکی‌ها» (شکویی، ۱۳۸۳: ۴۸۲)، «حاشیه شهر و متن شهر»، «شهروند و غیرشهروند»، «بالاشهر و پایین‌شهر» و ... یاد می‌کنند. دوگانگی‌هایی که در قالب دو فرهنگ، دو کالبد و دو اقتصاد نمود پیدا می‌کند. اهمیت یافتن مطالعات مربوط به کیفیت زندگی در ادبیات برنامه‌ریزی شهری در طی چند دهه اخیر نیز کوششی است در راستای شناخت کمیت و کیفیت نارسایی‌ها و نابرابری‌ها میان محلات و نواحی مختلف شهری در راستای تعدیل و کاهش آنها و در نهایت ارتقاء کیفیت زیست‌پذیری فضاهای شهری و کیفیت زندگی شهروندان.

نگاهی به روند تحولات شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در ایران در دهه‌های اخیر گویای این واقعیت اساسی است که رویکردهای تک‌بُعدی و کالبدی، دغدغه اصلی برنامه‌ریزان و مدیران شهری کشور شده است. مدیران شهری عمدتاً به فکر بهبود وضعیت کالبدی شهرها (خیابان‌ها، تراکم‌ها، زباله و ...) هستند و مسائل اجتماعی و فرهنگی و ابعاد روانی طرح‌های شهری چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. برنامه‌ریزی‌ها و پروژه‌ها عمدتاً رو به سوی عینیت دارد تا ذهنیت، بیشتر به کالبد می‌پردازد تا محتوا و معنی. چنین روندی بخش عمده‌ای از کلانشهرها و شهرهای بزرگ کشور را به خویش معطوف کرده است.

تداوم و سرعت‌یابی چنین شرایطی در روستاشهرها و شهرهای کوچک (مکان‌هایی که هنوز چندان آلوده روندهای موجود نشده‌اند) می‌تواند تأثیرات و پیامدهایی اساسی را بر پیکر فرهنگ و محیط طبیعی و انسان‌ساخت آنها وارد سازد. در چنین شرایطی برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته و تلاش در جهت بهبود کیفیت زندگی در محیط‌های شهری، به خصوص شهرهای کوچک و روستاشهرها و پایدارساختن توسعه آنها، انجام مطالعاتی در خصوص کیفیت زندگی شهروندان و همچنین تحلیل کمی و کیفی میزان رضایتمندی شهروندان مناطق و محلات مختلف شهرها می‌تواند زمینه‌ای مناسب را فراهم سازد تا برنامه‌ریزان و مدیران شهری در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های خود از توجه صرف به بُعد کالبدی فراتر رفته و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طرح‌ها و برنامه‌ها را بیشتر مورد مذاقه و بررسی قرار دهند و استراتژی‌ها و اولویت‌های برنامه‌ها و طرح‌های خود را با توجه به نیازهای خاص هر محله و ناحیه تنظیم نمایند.

در واقع، سؤال اصلی که پیش روی این تحقیق قرار دارد آن است که آیا کیفیت زندگی در گونه‌های مختلف بافت‌های شهری متفاوت است؟ آیا ساکنان بافت‌های جدید شهری که در سال‌های اخیر شکل گرفته‌اند، رضایتمندی‌شان از کیفیت زندگی بالاتر از ساکنان

بافت‌های قدیمی‌تر است؟ در نهایت چه تفاوتی بین کیفیت زندگی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای شهروندان در بافت‌های مختلف شهری وجود دارد؟

به بیانی دیگر، هدف اصلی این تحقیق بررسی تفاوت‌هایی است که در ابعاد مختلف کیفیت زندگی میان ساکنین بافت‌های مختلف شهری وجود دارد. بافت‌های قدیمی شهرها با داشتن انبوهی از خطرات از تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان و وضعیت رو به زوال و فرسودگی‌شان دارای شرایطی متفاوت از بافت‌های میانی شهرهای ایران هستند که عمدتاً در دوره گذار شهرنشینی ایران یا دوره شهرنشینی سریع شکل گرفته‌اند و بافت‌های جدید که با حاکم‌شدن اصول برنامه‌ریزی جدید و با کمک طرح‌های آماده‌سازی شهری شکل گرفته‌اند، شرایطی متفاوت‌تر از دوگونه دیگر دارند. اما با این حال، به نظر می‌رسد کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان در این سه بافت با چالش‌های متعدد و متفاوتی روبرو است. بافت‌های قدیمی و جدید شهر به لحاظ کیفیت محیطی و مکانی از تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند، اما با این حال نمی‌توان با اطمینان گفت که کیفیت زندگی در بافت جدید بهتر از بافت قدیمی است و یا برعکس، چراکه متغیرهای مختلفی می‌توانند در رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی‌شان تأثیرگذار باشند که احتمال دارد از دید یک ناظر بیرونی و محقق چندان مورد اهتمام قرار نگیرند.

با توجه به آن که بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها در کشور رو به سمت مسائل و مشکلات شهرهای بزرگ و کلانشهرها دارند و بالتبع چالش‌های شهرهای کوچک و روستاشهرها کم‌تر مورد توجه محققان قرار می‌گیرد، و با توجه به نسبت بسیار بالای شهرهای کوچک کمتر از ۵۰ هزار نفر در سلسله مراتب شهری ایران نسبت به شهرهای بزرگ و کلانشهرها، بر این مبنا در این پژوهش یکی از شهرهای کوچک در شمال ایران (شهر نوشهر با جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر) که طی نیم‌قرن اخیر رشد سریعی از جمعیت را تجربه کرده است، به عنوان عرصه تحقیق انتخاب گردید.

مرور پیشینه پژوهش

از جمله اولین مطالعاتی که به طور خاص در ایران به موضوع کیفیت زندگی در شهرها پرداخته است، مقاله پرهام (۱۳۵۵) می‌باشد که در یکی از بخش‌های آن، وی بحثی در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی و تفاوت‌های آن در جوامع شرقی و غربی انجام داده است و در واقع بر تفاوت‌های زمانی و مکانی این مفهوم تأکید دارد. طی یک دهه اخیر، مطالعات متعددی به بررسی کیفیت زندگی در مناطق شهری ایران پرداخته‌اند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در عمده مطالعاتی که به خصوص توسط جغرافیدانان در خصوص کیفیت زندگی انجام شده است مکان و فضا اکثراً یکی از متغیرهای کلیدی بوده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش اسدی و دیگران (۱۳۹۳) با عنوان «ارزیابی و تحلیل کیفیت زندگی در محله‌های بافت فرسوده شهر کوه‌دشت»، پژوهش پوراحمد و دیگران (۱۳۹۵) با عنوان «ارزیابی تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات مسکونی شهر کامیاران»، پژوهش قادری و دیگران (۱۴۰۰) با عنوان «تحلیل توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی شهری در شهر چابهار»، پژوهش حاجی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی کیفیت زندگی در بافت قدیم و جدید شهر شیراز»، پژوهش پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱) در خصوص «بررسی کیفیت زندگی در محلات و نواحی مختلف شهر بابلسر»، پژوهش زیاری و رفیعی‌مهر (۱۳۹۶) با عنوان «ارزیابی کیفیت زندگی بافت حاشیه‌نشین حصار شهر همدان» اشاره نمود.

در حالی که مطالعات حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و سلامت، کم‌تر به موضوع فضا و مکان پرداخته‌اند و بیشتر تأثیر و تأثر بین متغیرهای اجتماعی، روانی و فردی با کیفیت زندگی بررسی شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش شیخی (۱۳۹۱) با عنوان «مطالعه جامعه‌شناسی از سلامت و کیفیت زندگی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در شهر تهران»، پژوهش کلدی و عین‌الدین (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی رابطه بین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت با کیفیت زندگی»، سلیمانی (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی رابطه سلامت روان و کیفیت زندگی با نقش واسطه‌ای سلامت معنوی در دانشجویان»، جمعیان و دیگران (۱۳۹۷) با عنوان «اثر بخشی درمان راه‌حل‌مدار کوتاه‌مدت گروهی بر خودکارآمدی و کیفیت زندگی زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس» و پژوهش پرتوی (۱۴۰۰) با عنوان «بروز رفتارهای پرخطر با تأکید بر کیفیت زندگی در میان نوجوانان و جوانان» و ... اشاره نمود.

از جمله مطالعات مرتبط با موضوع در سطح ملی می‌توان به کار پژوهان و دیگران (۲۰۲۰) اشاره نمود که در پژوهش خود به شناخت فاکتورهای تعیین‌کننده کیفیت زندگی در شهر اراک پرداخته‌اند. این مقاله بر نیاز فوری به داده‌های کلان و خرد همگن و قابل مقایسه در جنبه‌های متعدد کیفیت زندگی در سطح شهر و سطح کلانشهر در اقتصادهای نوظهور تأکید می‌کند. از مطالعات بین‌المللی نیز می‌توان به کار برامبیللا و همکارانش اشاره نمود که در آن اثرات دسترسی نابرابر به امکانات رفاهی بر کیفیت زندگی در شهر میلان ایتالیا بررسی شده است. این مطالعه، کیفیت زندگی را از طریق شاخص‌های عینی ارزیابی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که توزیع نابرابر امکانات رفاهی در سراسر محله‌ها به طور قابل توجهی بر ارزیابی کیفیت زندگی آن شهر تأثیر می‌گذارد (Brambilla et al, 2013).

موراتادیس در پژوهشی به بررسی ارتباط میان برنامه‌ریزی شهری با کیفیت زندگی و مسیرهای ارتباط میان محیط ساخته شده و بهزیستی ذهنی پرداخته است. وی در تحقیقی دیگر (۲۰۲۱) به بررسی چگونگی تأثیرگذاری کوید ۱۹ بر کیفیت زندگی شهرها پرداخته است (Mouratidis, 2021 a,b). نتایج پژوهش چنگ‌هسو در خصوص اثرات الگوهای کاربری اراضی مختلف بر کیفیت زندگی با تأکید بر الگوی توسعه پراکنده و فشرده در منطقه مادرشهری تایپه نشان داد که فضای خیابان، کاربری‌های تجاری، روابط محله‌ای و امور مالی خانوار چهار جنبه هستند که تأثیر قابل توجهی بر ادراک ساکنان و رضایت از کیفیت کلی زندگی در مناطق دارای توسعه پراکنده دارند. در مقابل فضای زندگی، کاربری‌های تجاری، روابط همسایگی و امور مالی خانوار عوامل مهمی بودند که بر رضایت ساکنان از کیفیت زندگی در مناطق توسعه فشرده تأثیرگذار بودند (Cheng Hsu, 2019).

چارچوب نظری پژوهش

کیفیت زندگی از جمله کلماتی است که به وسیله هرکسی بدون تفکر و تعمق استعمال می‌شود، اما غالباً از تعریف دقیق این مفهوم فرار می‌کنند. در کاربردهای عمومی و مقالات منتشر شده، کلمه کیفیت اغلب برای مشخص کردن جذابیت یا برتری محصول استفاده شده است. کیفیت زندگی مفهومی قرن بیستمی نیست، بلکه تاریخچه آن به فلاسفه‌ای همانند ارسطو برمی‌گردد که در پژوهش‌هایش در مورد «the Life Good & Living Well» نوشته است و این که چگونه سیاست عمومی می‌تواند به پرورش آن کمک نماید.

کیفیت زندگی مفهومی است پیچیده با ساختاری چندبعدی و دقت در وجوه مختلف کاربردهای جاری این مفهوم، گویای این واقعیت است که این مفهوم بازتابی است از نگرانی فکری بشر نسبت به نوعی از خودبیگانگی فزاینده و خواست عمیق انسان نسبت به بازیابی وجود اجتماعی خویش در زیست‌بوم طبیعی خود (پرهام، ۱۳۵۵: ۳).

از زاویه یک نگاه علمی و تحلیلی، نظر به این که هنوز ادبیات مربوط به مفهوم کیفیت زندگی چندان استوار نشده است، آشکار است که ارائه یک تعریف برای این مفهوم بسیار مشکل است و در خصوص واژه‌شناسی، روش‌های ساخت و معیارهایی که این سازه را تشکیل

می‌دهند، برای دستیابی به یک تعریف اجماعی موفق نبوده است (Morais et al, 2011). مرور ادبیات تحقیقی گسترده مرتبط با مفهوم کیفیت زندگی نشان می‌دهد که هم تعاریف و هم روش‌ها و رویکردهای سنجش و اندازه‌گیری متنوعی برای کیفیت زندگی وجود دارد که همگی با استفاده از شاخص‌های مختلف، برای دستیابی به اهداف مختلف و در مقیاس‌های مختلف استفاده می‌شود (Koramaz & Turkoglu, 2017).

تعدد حوزه‌های درگیر در بررسی مفهوم کیفیت زندگی باعث شده است تا هر محقق به تناسب تخصص و زمینه کاری خود، به بررسی و تعریف و ارائه شاخص برای سنجش کیفیت زندگی بپردازد که از آن جمله می‌توان به مطالعات اجتماعی از کیفیت زندگی (Wang et al, 2010; Mason et al, 2010; al, 2010)، مطالعات اقتصادی (Whitehead et al, 2006; Brambilla et al, 2013)، مطالعات بهداشتی و پزشکی (Habib et al, 2009; Ryashchenko et al, 2010) و مطالعات محیطی (Geelen et al, 2009, Moser, 2009) اشاره نمود. در میان این تنوع مفهوم‌سازی‌ها و عملیاتی‌سازی‌های کیفیت زندگی، اتفاق نظر وجود دارد که کیفیت زندگی یک مفهوم چندبعدی است، حوزه‌های مختلف زندگی را در نظر می‌گیرد و از طریق ترکیب و تعامل حوزه‌های مختلف تولید می‌شود (D'Acci, 2014; Kamp et al, 2014).

در حالی که در برخی نگرش‌ها کیفیت زندگی به عنوان یک مجموعه‌ای از فاکتورها از قبیل سلامت، محیط کالبدی، منابع طبیعی، توسعه فردی و ایمنی تعریف می‌شود، در سوی دیگر، محققانی بعد اقتصادی را به عنوان یکی از ستون‌های سه‌گانه کیفیت زندگی مطرح می‌کنند. برخی دیگر از نویسندگان به جای مفاهیم کمی و عینی، از کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم عمدتاً ذهنی دفاع می‌کنند (Morise et al, 2011). آنان و همکاران در تعریف کیفیت زندگی بر مجموعه‌ای از حوزه‌ها مانند سلامت، معیارهای مختلف آزادی، قابلیت‌های عاطفی، روابط محیطی و اجتماعی و تبعیض تمرکز دارند (Anand et al, 2011). پال معتقد است کیفیت زندگی نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است (Pal, 2005). کیفیت زندگی ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت مکان از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی. به عبارت دیگر، احساس ما یا واکنش احساسی بین روان ما و فرم محیط و اجزای اصلی آن است (Profect et al, 1992).

با افزایش روزافزون تحقیقات فضایی در مورد کیفیت زندگی در مناطق شهری، اصطلاح «کیفیت زندگی شهری» ایجاد شده است که به عنوان «رضایتی که فرد از اطراف دریافت می‌کند» تعریف شده است. شرایط انسانی و فیزیکی، شرایطی که وابسته به مقیاس هستند و می‌توانند بر رفتار افراد، گروه‌هایی مانند خانوارها و واحدهای اقتصادی مانند شرکت‌ها تأثیر بگذارند (Marans and Stimson, 2011). بنابراین کیفیت زندگی شهری را می‌توان به عنوان یک حوزه تحقیقاتی درک کرد که شامل مطالعه محیط مسکونی، کیفیت زندگی به عنوان یک کل و اثرات متقابل آنها می‌شود (Koramaz & Turkoglu, 2017).

اکثر محققان در بررسی کیفیت زندگی، آن را به دو بعد که ناظر بر دو نیاز فوق می‌باشد، تقسیم کرده‌اند. بعد روان‌شناختی یا ذهنی و بعد محیطی یا عینی (Westaway, 2006; Daisy, 2008). از این رو، می‌توان به طور کلی کیفیت زندگی را سازهای چندبعدی، متشکل از شرایط عینی زندگی و بهزیستی ذهنی تعریف کرد. بعد عینی یا محیطی، به پاسخگویی به تقاضاهای فرهنگی و اجتماعی برای ثروت مادی، پایگاه اجتماعی و بهزیستی جسمانی و بعد ذهنی یا روان‌شناختی به احساس رضایت به طور عام اشاره دارد (Phillips, 2011).

روش و داده‌های تحقیق

ماهیت تحقیق حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای-کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. از روش توصیفی برای بررسی ادبیات و مبانی نظری تحقیق و از روش کمی-تحلیلی برای تحلیل داده‌ها و شناخت روابط علی و همبستگی میان متغیرها و عوامل تحقیق استفاده گردید. برای گردآوری داده‌های تجربی از روش پیمایشی (پرسشنامه) استفاده شد. در جهت آزمون روایی ابزار سنجش، در تدوین گویه‌های تحقیق از گزاره‌های تحقیق (بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق) استفاده گردید. همچنین در جهت روایی بالای مقیاس اندازه‌گیری (پرسشنامه)، پس از تدوین آنها مبتنی بر انجام روایی صوری، از نظرات صاحب‌نظران ذیصلاح در جهت سنجش اعتبار محتوایی استفاده شد که اکثریت آنها مناسب بودن گویه‌ها را تأیید نمودند. همچنین جهت محاسبه انسجام درونی ابزار و همسازي گویه‌ها (پایایی ابزار سنجش) از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار به دست آمده برای کل گویه‌ها، ۰/۸۶ است که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار سنجش می‌باشد.

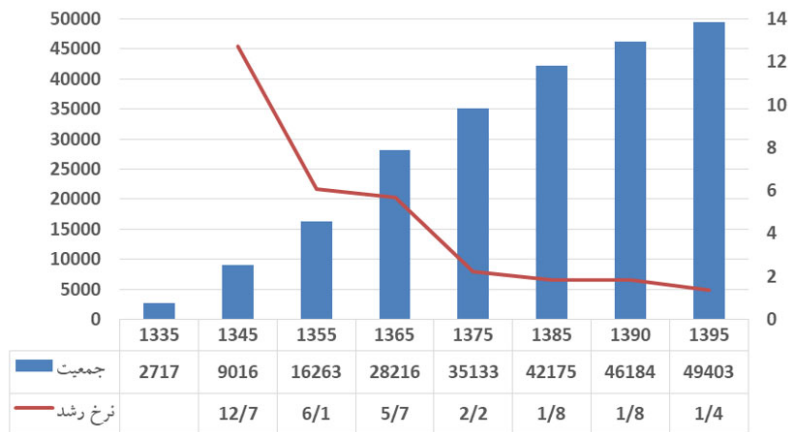
برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، علاوه بر استفاده از تحلیل‌های آماری توصیفی و استنباطی، برای به دست آوردن شاخص تجمعی کیفیت زندگی در نواحی مختلف شهر نوشهر از روش ارائه شده توسط لی و ونگ (Li & Wang, 2007: 255) استفاده شد. در این روش، شاخص تجمعی برای ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی با استفاده از امتیاز آنها و با تخمین تحلیل عاملی تهیه شده است. در این رابطه n گویای تعداد عامل‌های انتخاب شده، F_i نشان‌دهنده امتیاز عامل i و در نهایت W_i نشان‌دهنده درصد واریانس تبیین شده به وسیله عامل i می‌باشد. نظر به این که امتیاز کیفیت زندگی که از طریق اجرای رابطه ۱ برآورد شده است، در ابعاد عینی و ذهنی بین دامنه تغییراتی از منفی تا مثبت متغیر می‌باشد، بنابراین از تکنیک استانداردسازی مینیمم-ماکزیمم برای تبدیل امتیاز کیفیت زندگی در ابعاد عینی و ذهنی به دامنه یک تا پنج که بر اساس طیف لیکرت و گویه‌های تحقیق می‌باشد، استفاده گردید (رابطه ۲).

$$QoL = \sum_{i=1}^N F_i W_i \quad (1)$$

$$SQoL = 5 \times [(QoL - QoL_{min}) + (QoL_{max} - QoL_{min})] \quad (2)$$

محدوده مورد مطالعه، شهر نوشهر در استان مازندران با جمعیت ۴۹۴۰۳ نفر است. این شهر که در سابق دهکده‌ای به نام خواجک یا خواجک بود، در سال ۱۳۰۵ به واسطه تغییرات زیادی که در سیمای آن به وجود آمد، به دهنو تغییر نام داد و در سال ۱۳۱۸ نوشهر نامیده شد. روند تحولات جمعیت شهر گویای آن است که طی هفت دهه اخیر به طور مداوم از روند رشد جمعیتی شهر کاسته شده است. تحلیل مقایسه‌ای رشد جمعیت نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت این شهر طی دوره ۹۰-۹۵ نسبت به نقاط شهری استان مازندران، ۲/۴۴ درصد و نقاط شهری کشور، ۱/۹۷ درصد از شدت کاهش بیشتری برخوردار می‌باشد. در خصوص عوامل و چرایی کاهش مداوم نرخ رشد جمعیت نوشهر طی ۷ دهه اخیر و به خصوص شکاف نرخ رشد آن با کشور و استان، نیاز به پژوهشی جداگانه می‌باشد، اما بدون شک

مطالعه در خصوص کیفیت زندگی شهروندان و میزان رضایت‌مندی آنها از فضای شهری و امکانات می‌تواند یکی از گام‌های مهم برای افزایش پایداری و ماندگاری جمعیت کنونی شهر باشد.

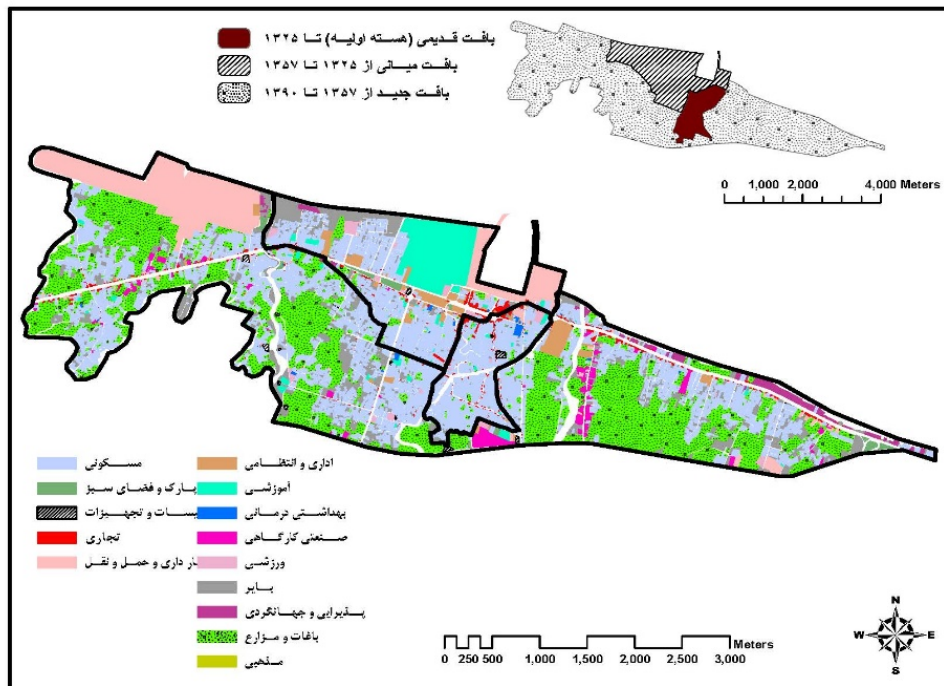


شکل ۲- تحولات جمعیتی شهر نوشهر از سال ۱۳۳۵-۱۳۹۵

جامعه آماری تحقیق دربرگیرنده شهروندان بالای ۲۰ سال شهر نوشهر می‌باشد که بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۷۸۹۳ نفر است. با توجه به مشخص بودن حجم جامعه آماری، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۰ نفر به دست آمد (رابطه ۳) که در جهت بهبود کیفیت داده‌های جمع‌آوری شده و همچنین کاستن از تأثیرگذاری پرسشنامه‌های مخدوش در کیفیت تحلیل‌های آماری تعداد نمونه تا ۴۰۰ نمونه افزایش یافت.

در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی برای توزیع پرسشنامه‌ها و گردآوری اطلاعات استفاده شد. بدین صورت که با توجه به فقدان ناحیه‌بندی رسمی از شهر و عدم دسترسی به آمار جمعیت به تفکیک بلوک‌ها و نواحی، تعداد پرسشنامه‌ها با توجه به شناخت نسبی محققان از شهر نوشهر، بر اساس وسعت بافت‌های سه‌گانه بین آنها توزیع گردید.

$$n = \frac{\frac{Z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{Z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = \frac{\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{37893} \left[\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right]} = 380.3 \quad (3)$$



شکل ۳- محدوده بافت‌های سه گانه شهر نوشهر (مأخذ: نگارنده با استفاده از پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۴)

یافته‌ها

(۱) تحلیل کیفیت زندگی منطقی و شهودی در بافت‌های شهری

این روش در واقع روشی است که در برخی منابع به عنوان سنجش بُعد ذهنی کیفیت زندگی از آن یاد شده است. در این روش، رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، افراد در مورد زندگی خود به عنوان یک کل مورد سؤال قرار می‌گیرند. اما در روش منطقی، ابتدا افراد در مورد احساس خود از قلمروهای مختلف زندگی مورد سؤال قرار می‌گیرند و هنگامی که افراد به این سؤالات پاسخ دادند، احساس آنها در مورد زندگی به عنوان یک کل مورد سؤال قرار می‌گیرد. در نتیجه آنها می‌توانند پاسخی منطقی با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی ارائه دهند و در واقع، در این بخش ذهن افراد نسبت به کیفیت زندگی شان بیشتر باز شده است. اندازه‌گیری هر دو پاسخ شهودی و منطقی به بررسی این موضوع کمک می‌کند که آیا تغییری در دیدگاه افراد در مورد احساس آنها نسبت به زندگی پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد (Das, 2008: 304). استفاده از این دو پاسخ، دستیابی به سنجش‌های دقیق‌تر کیفیت زندگی را تسهیل می‌کند.

برای ارزیابی تفاوت‌ها میان کیفیت زندگی شهودی و منطقی شهروندان شهر نوشهر، از تحلیل‌های توصیفی مربوط به نظرات پاسخگویان استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در محدوده بافت قدیم شهر نوشهر، پاسخ‌های ارائه شده برای کیفیت شهودی و منطقی زندگی اندکی تفاوت پیدا کرده‌اند. به عنوان نمونه، در این بافت، شهروندانی که ابتدا و به صورت شهودی کیفیت

زندگی خود را در سطح پایینی دانسته‌اند، برابر با $9/8$ درصد بوده است، در صورتی که فراوانی این شهروندان به دنبال ارزیابی منطقی کیفیت زندگی خود با توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف به حدود 15 درصد رسیده است. همچنین، شهروندانی که به صورت شهودی کیفیت زندگی خود را در سطح بالایی ارزیابی کرده‌اند، فراوانی آنها نیز افزایش یافته است و از $41/9$ درصد به 45 درصد رسیده است. در این میان تغییر اساسی در وضعیت کسانی بوده است که کیفیت زندگی خود را در سطح متوسطی ارزیابی کرده‌اند. فراوانی این شهروندان حدود 10 درصد کاهش یافته است و از $48/4$ درصد به $39/8$ درصد رسیده است.

در بافت میانی، فراوانی پاسخگویانی که در سطح کم از کیفیت زندگی خود رضایت داشتند، هم در بُعد منطقی و هم بُعد شهودی برابر با صفر درصد می‌باشد. یافته‌های این بافت نشان می‌دهد که فراوانی پاسخ‌گویانی که ابتدا و به صورت شهودی کیفیت زندگی خود را بالا عنوان نموده‌اند برابر با $48/8$ درصد بوده است، در حالی که همین افراد وقتی به صورت منطقی و با توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف قضاوت خود را دوباره بازبینی کرده‌اند، فراوانی کاهش چشمگیری یافته است و به $33/3$ درصد رسیده است. همچنین فراوانی کسانی که کیفیت زندگی خود را در سطح متوسط عنوان کرده‌اند، در زمان ارزیابی منطقی افزایش یافته است و از $51/2$ درصد (شهودی) به حدود $66/7$ درصد (منطقی) رسیده است.

در خصوص بافت جدید نیز بررسی کیفیت زندگی شهودی و منطقی شهروندان گویای آن است که در این بافت، درصد فراوانی کسانی که به صورت شهودی کیفیت زندگی خود را در سطح پایینی ارزیابی کرده‌اند، به دنبال آگاه‌شدن از جنبه‌ها و ابعاد مختلف کاهش یافته است و از $10/3$ درصد به $6/5$ درصد رسیده است. در مورد شهروندانی که کیفیت زندگی خود را در قضاوت شهودی بالا می‌دانسته‌اند نیز این اتفاق افتاده است و ارقام اندکی کاهش را نشان می‌دهد (از $46/2$ درصد به $44/3$ درصد). در این میان، همانند بافت میانی، شهروندانی که سطح کیفیت زندگی خود را در شرایط متوسطی ارزیابی می‌کرده‌اند، در ارزیابی منطقی نسبت به ارزیابی شهودی اندکی افزایش را نشان می‌دهد و از $43/5$ درصد به $49/2$ درصد رسیده است.

مقایسه میانگین کیفیت زندگی شهودی با منطقی نیز گویای آن است که علی‌رغم این که در هر دو مورد رقم به دست آمده از میانه نظری بالا بوده و نشان‌دهنده رضایتمندی شهروندان شهر نوشهر از کیفیت نسبتاً مناسب زندگی خود می‌باشد، با این حال، عدد مربوط به کیفیت زندگی منطقی اندکی پایین‌تر از کیفیت شهودی بوده و نشان‌دهنده ارزیابی صحیح‌تر شهروندان از کیفیت زندگی با توجه به حوزه‌های مختلف نسبت به در نظر گرفتن آن به عنوان یک کل می‌باشد.

۲) شاخص تجمعی کیفیت زندگی

یافته‌های شاخص تجمعی کیفیت زندگی در نواحی مختلف شهر نوشهر نشان دادند که در بافت جدید امتیازات شاخص تجمعی به دست آمده برای بُعد عینی و ذهنی به ترتیب برابر با $2/57$ و $2/48$ می‌باشند که بر خلاف قضاوت‌های منطقی و شهودی که با یک گویه سنجیده شده بودند، نشان‌دهنده قضاوت جامع‌تری هستند و گویای آن است که میانگین کیفیت زندگی شهروندان بافت جدید شهر هم در بُعد عینی و هم بُعد ذهنی پایین‌تر از میانگین نظری تحقیق (یعنی عدد ۳) می‌باشد.

این وضعیت برای بافت قدیم شهر نیز مصداق می‌یابد. امتیازات شاخص تجمعی به دست آمده در بافت قدیم برای بُعد عینی و ذهنی به ترتیب برابر با $2/91$ و $2/64$ می‌باشند که همانند بافت جدید پایین‌تر از میانه نظری می‌باشند. در خصوص بافت میانی وضعیت اندکی متفاوت می‌باشد. امتیازات شاخص تجمعی به دست آمده برای بُعد عینی و ذهنی در این بافت هرچند که نسبت به امتیازات منطقی و

شهودی پایین‌تر می‌باشد، با این حال امتیازات به دست آمده بالاتر از میانه نظری می‌باشند و نشان‌دهنده کیفیت بالاتر زندگی شهروندان ساکن در این بافت می‌باشد (امتیازات به ترتیب برای بُعد عینی و ذهنی برابر با ۳/۲۷ و ۳/۱۲ می‌باشند).

جدول ۱- رضایتمندی از کیفیت زندگی شهودی و منطقی در بافت‌های مختلف شهر نوشهر

منطقی	شهودی	
۳/۳۱	۳/۳۲	میانگین بافت قدیم
۳/۵۱	۳/۹۵	میانگین بافت میانی
۳/۴۸	۳/۵۰	میانگین بافت جدید
۳/۴۵	۳/۵۱	کل شهر

برای کل شهر نیز یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که امتیاز شاخص تجمعی کیفیت زندگی، در بُعد عینی برابر با ۲/۷ و در بُعد ذهنی امتیاز حاصل برابر با ۲/۴ می‌باشد. بر این اساس، هم در بُعد عینی و هم در بُعد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان شهر نوشهر از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نمی‌باشد. یکی از نکات مهم در تحلیل‌ها این امر می‌باشد که در هر سه محدوده مورد بررسی، امتیازات شاخص تجمعی در ابعاد عینی بالاتر از ابعاد ذهنی بوده است و نشان‌دهنده این نکته است که مسئولین امر در سطوح خرد و کلان بایستی علاوه بر بهبود شرایط مادی و عینی زندگی، برنامه‌هایی نیز در جهت بهبود شاخص‌های ذهنی و روانی ساکنان تدارک ببینند.

۳) رابطه متغیرهای زمینه‌ای با کیفیت زندگی

سن: نتایج پژوهش نشان داد که شاخص کیفیت زندگی در بافت میانی شهر نسبت به بافت‌های جدید و قدیمی از وضعیت مناسب‌تری برخوردار می‌باشد. نتایج آزمون آنوا گویای آن است که در بافت قدیم شهر، تفاوت معنی‌داری در بُعد عینی کیفیت زندگی میان ساکنان وجود دارد در حالی که از نظر بُعد ذهنی کیفیت زندگی، تفاوت معنی‌داری میان گروه‌های سنی مشاهده نگردید (جدول ۲). علاوه بر این یافته‌ها نشان داد که در میان متغیر سن و بُعد عینی کیفیت زندگی همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0.281^{**}$, $\text{Sig.} = 0.006$) در حالی که بعد ذهنی کیفیت زندگی هیچگونه رابطه معنی‌داری با متغیر سن ندارد ($r = 0.155$, $\text{Sig.} = 0.138$). نتایج مربوط به بافت میانی نیز همانند بافت قدیمی می‌باشد.

بر اساس یافته‌ها در این بافت، میان متغیر سن و بُعد عینی کیفیت زندگی همبستگی مستقیم و معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد ($r = 0.351^*$, $\text{Sig.} = 0.018$) در حالی که بُعد ذهنی کیفیت زندگی هیچگونه رابطه معنی‌داری با متغیر سن ندارد ($r = 0.203$, $\text{Sig.} = 0.182$)، اما نتایج برای بافت جدید گویای آن است که هر دو بُعد عینی ($r = -0.195^{**}$, $\text{Sig.} = 0.002$) و ذهنی ($r = -0.194^{**}$, $\text{Sig.} = 0.002$) کیفیت زندگی رابطه‌ای معنی‌دار اما معکوس با سن دارد.

جدول ۲- بررسی تفاوت‌مندی ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی در میان گروه‌های سنی در بافت‌های شهری

سطح معنی‌داری	مقدار F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات			
۰/۰۰۶	۳/۹۱۵	۳/۳۹۰ ۰/۸۶۶	۴	۱۳/۵۶۱	بین گروه‌ها	بعد عینی	بافت قدیمی
			۸۸	۷۶/۱۹۸	درون گروه‌ها		
			۹۲	۸۹/۷۶۰	مجموع		
۰/۱۶۱	۱/۶۸۴	۱/۶۲۴ ۰/۹۶۴	۴	۶/۴۹۵	بین گروه‌ها	بعد ذهنی	بافت قدیمی
			۸۸	۸۴/۸۳۰	درون گروه‌ها		
			۹۲	۹۱/۳۲۵	مجموع		
۰/۰۰۵	۴/۳۳۸	۷/۷۴۷ ۱/۷۸۶	۴	۳۰/۹۸۸	بین گروه‌ها	بعد عینی	بافت میانی
			۴۰	۷۱/۴۲۸	درون گروه‌ها		
			۴۴	۱۰۲/۴۱۶	مجموع		
۰/۰۰۱	۵/۹۸۲	۸/۳۳۴ ۱/۳۹۲	۴	۳۳/۲۹۵	بین گروه‌ها	بعد ذهنی	بافت میانی
			۴۰	۵۵/۶۶۰	درون گروه‌ها		
			۴۴	۸۸/۹۵۵	مجموع		
۰/۰۲۱	۲/۹۵۶	۲/۲۶۴ ۰/۸۶۷	۴	۱۰/۲۵۵	بین گروه‌ها	بعد عینی	بافت جدید
			۲۵۷	۲۲۲/۸۷۵	درون گروه‌ها		
			۲۶۱	۲۳۳/۱۳۰	مجموع		
۰/۰۰۱	۴/۶۸۶	۴/۴۹۷ ۰/۹۶۰	۴	۱۷/۹۸۹	بین گروه‌ها	بعد ذهنی	بافت جدید
			۲۵۷	۲۴۶/۶۴۴	درون گروه‌ها		
			۲۶۱	۲۶۴/۶۳۳	مجموع		

جنس: برای بررسی نقش متغیر جنس بر کیفیت زندگی از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج بررسی‌ها نشان داد که در بافت قدیمی شهر در ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، هیچگونه تفاوت معنی‌داری میان امتیازهای زنان و مردان وجود ندارد. در بافت میانی در هر دو بُعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، تفاوت معنی‌داری میان امتیازهای زنان و مردان وجود دارد و در بافت جدید در بُعد عینی، تفاوت معنی‌داری میان زنان و مردان مشاهده نگردید اما در بُعد ذهنی تفاوت کیفیت زندگی زنان و مردان معنی‌دار بوده است (جدول ۳). یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که در دو بافت میانی و جدید زنان هم در بُعد ذهنی و هم در بُعد عینی رضایتمندی بیشتری از کیفیت زندگی خود داشته‌اند و بافت قدیم نیز چنین شرایطی برای بُعد ذهنی کیفیت زندگی وجود دارد، اما در بُعد عینی در بافت قدیم، نتایج برعکس می‌باشد، بدین معنی که رضایتمندی مردان از کیفیت زندگی بیشتر از زنان می‌باشد.

تحصیلات: یافته‌های پژوهش نشان داد که در بافت قدیم در بُعد عینی تفاوت معنی‌داری میان گروه‌های تحصیلی وجود ندارد اما در بُعد ذهنی میان گروه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده گردیده است. در بافت میانی، در دو بُعد عینی و ذهنی تفاوت معنی‌داری میان گروه‌های تحصیلی مختلف مشاهده نگردید و در بافت جدید در هر دو بُعد عینی و ذهنی میان گروه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۴).

تحلیل همبستگی میان دو متغیر تحصیلات و کیفیت ذهنی در بافت‌های شهری مورد مطالعه نیز گویای آن است که در بافت قدیم و جدید، رابطه مستقیم و معنی‌داری میان متغیر تحصیلات و ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی وجود دارد و بالعکس در بافت میانی هیچگونه رابطه معنی‌داری میان این متغیرها مشاهده نشده است. اما در بافت قدیم، میان تحصیلات و بُعد عینی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده، اما میان تحصیلات و بُعد ذهنی کیفیت زندگی در سطح ۹۵ درصد اطمینان رابطه مستقیم و معنی‌داری مشاهده شده است.

جدول ۳- بررسی تفاوت‌مندی ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی در میان مردان و زنان در بافت‌های شهری

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار t	مقدار F	میانگین	فراوانی			
۰/۰۷	۹۱	۱/۴۵۴	۱/۹۳۵	۲/۹۸	۸۱	مرد	بعد عینی	بافت قدیم
				۲/۴۳	۱۲	زن		
۰/۸۴۴	۹۱	-۰/۱۹۸	۵/۱۷۰	۲/۶۲	۸۱	مرد	بعد ذهنی	
				۲/۶۸	۱۲	زن		
۰/۰۰۲	۴۳	-۳/۳۱۷	۴/۲۷۵	۲/۲۵	۱۴	مرد	بعد عینی	بافت میانی
				۳/۷۲	۳۱	زن		
۰/۰۱۸	۴۳	-۲/۴۶۶	۶/۰۳۵	۲/۳۴	۱۴	مرد	بعد ذهنی	
				۳/۳۴	۳۱	زن		
۰/۱۹۲	۲۶۰	-۱/۳۰۸	۱۷/۰۸۵	۲/۵۲	۱۹۲	مرد	بعد عینی	بافت جدید
				۲/۶۹	۷۰	زن		
۰/۰۴۶	۲۶۰	-۲/۰۰۱	۹/۳۰۸	۲/۴۰	۱۹۲	مرد	بعد ذهنی	
				۲/۶۸	۷۰	زن		

درآمد: مؤلفه دیگری که نقش مهمی در کیفیت زندگی بازی می‌کند، متغیر درآمد است، داشتن درآمد مکفی که بتوان نیازهای زندگی را تا حد انتظار برآورد از جمله مهم‌ترین متغیرهایی است که تأثیر به‌سزایی بر کیفیت زندگی دارد. این متغیر همچنین از طریق تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر سایر متغیرهای زمینه‌ای و ویژگی‌های فردی و همچنین مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی می‌تواند عاملی تأثیرگذار در کیفیت زندگی افراد باشد. هرچند که شاید در ظاهر ارتباط میان درآمد و کیفیت زندگی بدیهی به نظر آید، اما همیشه نیز این امر مصداق نمی‌یابد. به خصوص زمانی که کیفیت زندگی را به ابعاد عینی و ذهنی تفکیک می‌کنیم، این امر بیشتر مصداق پیدا می‌کند. به عنوان نمونه، چه بسا انسان‌های ثروتمندی که هرچند به لحاظ برخورداری از امکانات و شرایط زندگی وضعیت مناسبی دارند، اما به لحاظ ذهنی و درونی احساس رضایتمندی چندانی نمی‌کنند و بالعکس.

نتایج تحقیق نشان داد که در بافت میانی هیچگونه رابطه‌ای میان درآمد با ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی وجود ندارد. در بافت قدیمی رابطه مستقیم و معنی‌دار میان بُعد ذهنی کیفیت زندگی و درآمد در سطح ۹۵ درصد اطمینان مشاهده گردید اما برای بُعد عینی، رابطه معنی‌داری دیده نشد و در مقابل در بافت جدید، بُعد عینی کیفیت زندگی رابطه معنی‌دار و مستقیمی با درآمد داشت و بالعکس در بُعد ذهنی هیچگونه رابطه‌ای میان دو متغیر مشاهده نگردید (جدول ۷).

بررسی‌های مربوط به تحلیل تفاوت‌مندی امتیازهای کیفیت زندگی در سطوح مختلف درآمدی با استفاده از آزمون آنوا نشان داد که در بافت جدید در بُعد عینی تفاوت امتیاز میان گروه‌های مختلف درآمدی معنی‌دار نمی‌باشد و در مقابل در بُعد ذهنی تفاوت معنی‌داری در امتیاز کیفیت ذهنی گروه‌های مختلف درآمدی مشاهده گردید. در مقابل در دو بافت شهری قدیمی و میانی، در هر دو بُعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی تفاوت معنی‌داری در امتیازهای گروه‌های مختلف درآمدی مشاهده گردید.

جدول ۴- بررسی تفاوت‌مندی ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی در میان گروه‌های تحصیلی مختلف در بافت‌های شهری

سطح معنی‌داری	مقدار F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات				
۰/۸۶۶	۰/۲۱۵	۰/۲۱۵	۳	۰/۶۴۶	بین گروه‌ها	بعد عینی	بافت قدیم	
		۱/۰۰۱	۸۹	۸۹/۱۱۴	درون گروه‌ها			
				۸۹/۷۶۰	مجموع			
۰/۰۰۸	۴/۱۶۳	۳/۷۴۶	۳	۱۱/۲۳۹	بین گروه‌ها	بعد ذهنی		بافت قدیم
		۰/۹۰۰	۸۹	۸۰/۰۸۶	درون گروه‌ها			
				۹۱/۳۲۵	مجموع			
۰/۰۷۳	۲/۴۹۴	۵/۲۶۹	۳	۱۵/۸۰۷	بین گروه‌ها	بعد عینی	بافت میانی	
		۲/۱۱۲	۴۱	۸۶/۶۰۹	درون گروه‌ها			
				۱۰۲/۴۱۶	مجموع			
۰/۲۱۹	۱/۵۳۷	۲/۹۹۸	۳	۸/۹۹۳	بین گروه‌ها	بعد ذهنی		بافت میانی
		۱/۹۵۰	۴۱	۷۹/۹۶۲	درون گروه‌ها			
				۸۸/۹۵۵	مجموع			
۰/۰۰۰	۸/۹۶۷	۷/۳۳۸	۳	۲۲/۰۱۳	بین گروه‌ها	بعد عینی	بافت جدید	
		۰/۸۱۸	۲۵۸	۲۱۱/۱۱۷	درون گروه‌ها			
				۲۳۳/۱۳۰	مجموع			
۰/۰۰۷	۴/۱۵۱	۴/۰۶۱	۳	۱۲/۱۸۴	بین گروه‌ها	بعد ذهنی		بافت جدید
		۰/۹۷۸	۲۵۸	۲۵۲/۴۴۹	درون گروه‌ها			
				۲۶۴/۶۳۳	مجموع			

سابقه سکونت: برای بررسی اثر متغیر سابقه سکونت بر کیفیت زندگی علاوه بر یافته‌های توصیفی از آزمون همبستگی و آزمون آنوا استفاده گردید. نتایج تحقیق برای بافت قدیمی گویای آن است که در این بافت رابطه معنی‌داری میان سابقه سکونت با دو بُعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی مشاهده نگردید. نتایج آزمون آنوا نیز نشان داد که در بُعد عینی تفاوت معنی‌داری میان سال‌های سکونت با امتیاز کیفیت زندگی وجود ندارد، اما در بُعد ذهنی میان سال‌های سکونت و امتیاز کیفیت زندگی تفاوت معنی‌داری وجود داد.

جدول ۵- رابطه میان متغیر مستقل سطح درآمد و کیفیت زندگی در بافت‌های مختلف شهر نوشهر

تحصیلات	بافت قدیم		بافت میانی		بافت جدید	
	بعد ذهنی	بعد عینی	بعد ذهنی	بعد عینی	بعد ذهنی	بعد عینی
ضریب همبستگی	۰/۲۳۸*	-۰/۰۳۶	-۰/۰۳۹	۰/۰۰۹	۰/۰۶۳	۰/۱۵۷*
سطح معنی‌داری	۰/۰۲۲	۰/۷۲۹	۰/۸۰۱	۰/۹۵۳	۰/۳۰۹	۰/۰۱۱

در بافت میانی شهر، علاوه بر آن که همبستگی مستقیم و معنی‌داری میان سابقه سکونت با کیفیت زندگی وجود دارد، نتایج آزمون آنوا نیز گویای آن است که در هر دو بُعد عینی و ذهنی میان کیفیت زندگی افراد با سابقه سکونتی مختلف، تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌گردد و در نهایت، در بافت جدید نیز نتایج آزمون آنوا نشان داد که هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری در امتیازهای افراد دارای سابقه سکونتی متفاوت در هر دو بُعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی مشاهده نگردیده است و به لحاظ تحلیل همبستگی نیز تنها در بُعد عینی در سطح ۹۵ درصد اطمینان رابطه معنی‌دار و مثبتی میان کیفیت زندگی و سابقه سکونت مشاهده گردید. تحلیل داده‌های مربوط به جداول توصیفی گویای آن است که در بافت‌های قدیم و میانی به طور کلی همراه با افزایش سابقه سکونت، بر امتیاز رضایت از کیفیت زندگی در هر دو بُعد افزوده شده است اما نکته قابل تأمل آن است که در بافت جدید برای تمامی گروه‌ها شاخص امتیاز رضایت از کیفیت زندگی کمتر از میانگین نظری بوده و این که همراه با افزایش سابقه سکونت، رضایتمندی آنها از کیفیت زندگی به خصوص در بُعد ذهنی کاهش یافته است و حتی در بُعد عینی نیز شاخص کمتر از میانگین نظری می‌باشد.

جدول ۶- رابطه میان سابقه سکونت و کیفیت زندگی در بافت‌های مختلف شهر نوشهر

تحصیلات	بافت قدیم		بافت میانی		بافت جدید	
	بعد ذهنی	بعد عینی	بعد ذهنی	بعد عینی	بعد ذهنی	بعد عینی
ضریب همبستگی	۰/۱۳۴	۰/۱۱۹	۰/۴۱۲**	۰/۴۴۷**	-۰/۰۵۹	۰/۱۲۷*
سطح معنی‌داری	۰/۱۹۹	۰/۲۵۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۳۴۰	۰/۰۳۹

نحوه تصرف واحد مسکونی: مسکن مفهومی بیش از یک سرپناه فیزیکی است و علاوه بر ساختار فیزیکی، شامل برخورداری از خدمات و تسهیلات ضروری برای بهتر زیستن ساکنان و حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده و یکی از وجوه اساسی سرمایه‌گذاری خانوار نیز می‌باشد و کارکردهای مختلف اجتماعی و فرهنگی، روانی، اقتصادی را در خود دارد. یکی از فاکتورهای بهره‌مندی از کیفیت زندگی مطلوب، داشتن مسکن مناسب می‌باشد به گونه‌ای که فرد در آن احساس آرامش (سکون) کند و نوع مالکیت مسکن در این ارتباط مهم می‌نماید. تحلیل داده‌های جدول ۱۰ گویای آن است که نوع مالکیت مسکن نقش مهمی در رضایت از کیفیت زندگی دارد به گونه‌ای که در هر سه بافت مورد مطالعه، امتیاز رضایت از کیفیت زندگی مالکان نسبت به مستأجرین در هر دو بُعد عینی و ذهنی دارای وضعیت مطلوب‌تری است.

مالکیت مسکن علاوه بر تأثیرات اقتصادی آن و نقش مسکن به عنوان سرمایه‌گذاری و حتی افزایش پس‌انداز خانوارها، می‌تواند با افزایش ثبات و ماندگاری فرد در محله خود باعث ایجاد خاطره، قصه و در نتیجه تعلق مکانی گشته، زمینه را برای افزایش کیفیت روابط اجتماعی با ایجاد سرمایه اجتماعی فراهم سازد. علاوه بر این، در بافت قدیم، تفاوت معنی‌داری در کیفیت زندگی مالکان و مستأجران در

هر دو بُعد عینی و ذهنی مشاهده می‌گردد، اما در مقابل در بافت میانی، هیچگونه تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌گردد. در بافت جدید در بُعد عینی تفاوت امتیازها معنی‌دار می‌باشد اما در بُعد ذهنی هیچگونه تفاوت معنی‌داری میان مالکان و مستأجران دیده نمی‌شود.

جدول ۷- بررسی تفاوت‌مندی ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی در میان مالکان و مستأجران در بافت‌های شهری

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار t	مقدار F	میانگین	فراوانی		
۰/۰۰۱	۲۰/۴۳۳	۳/۶۶۸	۲۲/۴۵۱	۳/۱۵	۷۴	مالک	بعد عینی
				۱/۹۶	۱۹	مستأجر	
۰/۰۳۴	۲۲/۶۷۵	۲/۲۵۱	۵/۸۳۴	۲/۷۷	۷۴	مالک	بعد ذهنی
				۲/۰۸	۱۹	مستأجر	
۰/۲۲۶	۴۳	۱/۲۲۹	۴/۰۱۶	۳/۶۰	۱۸	مالک	بعد عینی
				۳/۰۳	۲۷	مستأجر	
۰/۰۷۲	۴۳	۱/۸۶۴	۰/۸۳۳	۳/۵۴	۱۸	مالک	بعد ذهنی
				۲/۷۶	۲۷	مستأجر	
۰/۰۰۸	۲۶۰	۲/۶۷۷	۰/۲۵۱	۲/۶۵	۲۰۱	مالک	بعد عینی
				۲/۲۸	۶۱	مستأجر	
۰/۸۸۴	۲۶۰	۰/۱۴۶	۲/۸۱۶	۲/۴۸	۲۰۱	مالک	بعد ذهنی
				۲/۴۶	۶۱	مستأجر	

بحث و نتیجه‌گیری

طرح موضوع کیفیت زندگی در زمینه شهری، از چندین بُعد، موضوعی کلیدی است. نخست این که شهرها نمودهای کالبدی و فضایی تمدن بشری و بستر و زمینه‌سازی برای ابداع، خلاقیت و نوآوری می‌باشند، ثانیاً بنا بر آمارها در سال ۲۰۰۷ برای اولین بار بخش عمده‌ای از جمعیت جهان ساکن شهرها شدند و به تعبیری دیگر، شهرنشینی تبدیل به الگو و سبک غالب زندگی در جهان معاصر شده است و ثالثاً، شهرها به عنوان ویترونی هستند که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها و تمدن‌ها را در آنها می‌توان به نظاره نشست. بر این اساس، هرگونه نارسایی در چارچوب‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... کشور می‌تواند به بهترین شکل نمود خود را در فضاهای شهری به نمایش بگذارد و رابعاً، با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار شهری، هدف غایی و نهایی این نظریه ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان است و بر این اساس ارتباط متقابلی بین این دو مفهوم می‌باشد. نکته مهم دیگر آن است که فضای شهری کالبدی یکدست نیست و تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و محیطی و ... بی‌شماری بین مناطق مختلف شهرها وجود دارد و بر این اساس، ارائه رویکرد و راهکارها و برنامه‌هایی واحد برای تمام مناطق شهر با توجه به تفاوت‌های فوق نمی‌تواند از کارایی لازم برخوردار باشد.

همان‌گونه که یافته‌های این پژوهش نشان داد در شهری مانند نوشهر بافت میانی شهر نسبت به بافت‌های جدید و قدیمی شهر از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بود که یکی از دلایل آن را می‌توان در تمرکز مراکز تجاری، توریستی، اداری، خدماتی و رفاهی و ... در این منطقه جستجو نمود و نکته مهم این پژوهش این بود که بافت جدید این شهر دارای پایین‌ترین شاخص امتیاز رضایت شهروندان از کیفیت زندگی بوده است. در خصوص چرایی این امر قطعاً تحقیقی جامع‌تر نیاز است تا بتوان با تفکیک کیفیت زندگی به مؤلفه‌های

سازنده آن در ابعاد روان‌شناختی (ذهنی) و محیطی (عینی) و بررسی وضعیت رضایت از کیفیت زندگی در هر یک از ابعاد، راهکارها و برنامه‌های متناسب را برای هر بافت و محله شهری ارائه نمود. همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان داد، یافته‌های این نتایج با نتایج پژوهش‌های پوراحمد و دیگران (۱۳۹۵)، شاهگلی و دیگران (۱۳۹۷)، فتحعلیان و پرتوی (۱۳۹۰)، احمدی و نادری‌کروندان (۱۳۹۲) که در آنها بر وجود تفاوت معنی‌دار در کیفیت زندگی بافت‌های مختلف شهری اشاره شده است، در یک راستا قرار می‌گیرد.

اثر سابقه سکونت و ماندگاری اسکان به عنوان یکی از عوامل تسهیل‌کننده ارتقاء کیفیت روابط اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی، حس تعلق مکانی و مشارکت مدنی در بافت‌های شهری متفاوت می‌باشد و نمی‌توان به نتیجه کلی و عمومی در خصوص اثرگذاری مثبت یا منفی این متغیر بر کیفیت زندگی دست یافت. در این خصوص نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش حاتمی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۶) و شکری و غنی‌پور (۱۳۹۵) در یک راستا می‌باشد.

اثر متغیر سن نیز در بافت‌های شهری متفاوت بوده است که گویای کیفیت متفاوت ارتباط این متغیرها بسته به نوع مکان زندگی می‌باشد. در بافت قدیم، همراه با افزایش سن ساکنان که می‌تواند گویای سابقه سکونت آنها در بافت باشد، هم در بُعد عینی و هم در بُعد ذهنی، شاخص کیفیت زندگی افزایش یافته است. این امر می‌تواند نشانی از این مهم باشد که سابقه سکونت زیاد در یک محله زمینه را برای افزایش تعلق مکانی و اجتماعی، بهبود سرمایه اجتماعی و بالتبع رضایتمندی از کیفیت زندگی را فراهم کند و در مقابل، در بافت جدید هم در بُعد ذهنی و هم عینی هرچه بر سن افراد افزوده می‌شود، رضایتمندی آنها از کیفیت زندگی کاهش یافته است و به عبارتی رابطه معکوسی میان دو متغیر وجود داشته است. بخشی از این موضوع می‌تواند گویای آن باشد که طراحی و برنامه‌ریزی بافت‌های جدید شهری با نیازها و خواسته‌ها و شرایط سالمندان همخوان نیست و شرایط این بافت‌ها و به ویژه الگوی سکونت آپارتمانی نتوانسته است رضایتمندی سالمندان را فراهم سازد و البته در مورد شهر نوشهر با توجه به الگوی فرم شهر و توسعه پراکنده شهر که بخشی از آن ناشی از ادغام روستاهای پیرامونی در شهر است، دوری از مرکز شهر و خدمات تجاری و امکانات رفاهی و خدماتی می‌تواند دلیل دیگری بر پایین بودن شاخص کیفیت زندگی باشد.

بافت میانی شهر نوشهر هم در شاخص کلی کیفیت زندگی و هم امتیاز شاخص به تفکیک گروه‌های سنی بیشتر توانسته است رضایتمندی شهروندان را فراهم سازد و کیفیت بهتری را برای زندگی آنها فراهم سازد. به نظر می‌رسد تمرکز بخش عمده‌ای از مراکز تجاری و ساحل و بندرگاه شهر و همچنین امکانات و خدمات تجاری و توریستی در این بافت در افزایش رضایتمندی ساکنان این بافت از کیفیت زندگی‌شان تأثیرگذار بوده است. در ارتباط با اثر متغیر سن بر کیفیت زندگی، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش حاتمی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۷) همخوانی داشته و در مقابل با نتایج پژوهش خواجه‌شاهکویی و مینایی (۱۳۹۳) و گوزلی و جعفری (۱۳۹۸) مغایرت دارد.

توجه به تفاوت‌های ادراک کیفیت زندگی بین زنان و مردان موضوعی است که در ادبیات برنامه‌ریزی شهری معاصر به شدت مورد غفلت واقع شده است و برنامه‌ریزی‌های مردانه با ایجاد فضاهای مردانه باعث ایجاد فضاهای شهری نامطلوب برای نیمی از جمعیت جامعه یعنی زنان شده است. پس درک ویژگی‌های روحی و روانی و زیستی زنان برای ایجاد فضاهای شهری بهتر برای آنان و افزایش رضایت آنها از کیفیت زندگی‌شان ضرورتی مهم و اجتناب‌ناپذیر است. توجه به تفاوت‌های سنی افراد و شهروندان به ویژه با توجه به این

نکته که جامعه ایرانی روی به کهنسالی دارد و در سال‌های آینده تعداد سالمندان جامعه افزایش خواهد یافت، برنامه‌ریزان و مسئولان را ملزم می‌سازد که برای نیازهای گوناگون این قشر تمهیدات جدی بیاندیشند.

هرچند در این تحقیق افراد بالای ۲۰ سال مورد پرسش قرار گرفتند، اما گروه‌های زیر ۲۰ سال و به ویژه کودکان و نوجوانان بخش مهمی از جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند که توجه به نیازهای و دغدغه‌ها و الزامات سنی آنها برای ایجاد محیط شهری با کیفیت ضرورتی است که باید مورد اهتمام قرار گیرد. نقش مهم عدالت فضایی در رضایت از کیفیت زندگی موضوعی بود که می‌توان آن را از نتایج تبعی این پژوهش دانست. رضایت بیشتر ساکنان بافت میانی شهر که بخش عمده‌ای از خدمات و امکانات در آن تمرکز یافته است و در مقابل رضایت کمتر ساکنان بافت‌های جدید که به دور از امکانات و خدمات شهری قرار دارند، گویای آن است که عدالت فضایی و دسترسی عادلانه شهروندان به امکانات و خدمات نقشی مهم در رضایت از کیفیت زندگی دارد.

تأکید نظریه‌های جدید برنامه‌ریزی بر کاربری ترکیبی زمین و ارتقاء عدالت اجتماعی و فضایی در شهر را می‌توان از همین زوایه مورد بررسی قرار داد و در نهایت با توجه به این که هم در کل شهر و هم در سطح بافت‌ها و مناطق مختلف سطح رضایتمندی شهروندان در بُعد ذهنی پایین‌تر از بُعد عینی بوده است، تلاش در جهت معنی‌بخشی و ایجاد حس تعلق مکانی و احساس امنیت عمومی و اجتماعی شهروندان نسبت به شهر و محله‌شان با اتخاذ تمهیداتی چون طراحی و جایگذاری نمادها و نشانه‌های شهری، مشارکت دادن شهروندان در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و ... می‌تواند باعث ارتقاء بُعد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان گردد. در واقع، تلاش‌ها باید از توجه صرف به بُعد عینی و کالبدی به سمت برنامه‌ها و راهکارهایی حرکت کند که علاوه بر پیامدهای عینی و کالبدی، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن بیشتر مد نظر قرار گیرد.

منابع

- احمدی، قادر و نادری‌کروندان، سونیا (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در محلات بافت جدید و قدیم شهری (نمونه موردی: محله شهرک قدس و قطارچیان شهر سمنان). *مطالعات شهری*، ۸: ۷۱-۸۲.
- اسدی، علی؛ موحد، علی؛ احمدی، سجاد و لرستانی، اکبر (۱۳۹۳). ارزیابی و تحلیل کیفیت زندگی در محله‌های بافت فرسوده شهر کوه‌دشت. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۲(۲)، ۱۹۵-۲۱۸.
- باستانیان‌شاهگلی، مریم؛ پناهی، علی و عبدالله‌زاده طرف، اکبر (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در بافت‌های قدیم و جدید شهر تبریز؛ نمونه موردی: مرزداران و کوچه باغ. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۳۹: ۷۳-۸۹.
- پرتوی، لطیف (۱۴۰۰). بروز رفتارهای پرخطر با تأکید بر کیفیت زندگی در میان نوجوانان و جوانان. *رفاه اجتماعی*، شماره ۸۱: ۱۹۵-۲۴۰.
- پرهام، باقر (۱۳۵۵). زندگی و شهر، تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرها و کیفیت زندگی (درس‌هایی از تجدید بنا و نوسازی مناطق زلزله زده ایران)، *نامه علوم اجتماعی*، دوره قدیم، شماره ۶: ۱-۲۱.
- جمعیان، دلارام؛ حسین ثابت، فریده و معتمدی، عبدالله (۱۳۹۷). اثربخشی درمان راه‌حل‌مدار کوتاه‌مدت گروهی بر خودکارآمدی و کیفیت زندگی زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس. *روان‌شناسی بالینی*، ۳۹: ۱۳-۲۲.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ حیدری، اصغر؛ نجفی، اسماعیل و عباسی فلاح، وحید (۱۳۹۶). ابعاد کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های خودروی شهری - مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد کلانشهر تهران. *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۱۱: ۲۳-۴۵.

- حاتمی‌نژاد، حسین؛ یوسفی، رشید؛ هاشمی، اصغر و نوزارع، سمیه (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی شهری -موردشناسی: منطقه ۶ شهر تهران. *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۲۹: ۱۰۷-۱۲۶.
- حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر: ناهمگونی فضایی محلات شهر مشهد، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، تهران.
- حاجی‌نژاد، علی و همکاران (۱۳۸۹). بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی (مطالعه موردی: مقایسه بافت قدیم و جدید شهر شیراز). *جغرافیا و توسعه*، ۱۷: ۶۳-۸۲.
- خواجeh‌شاهکوهی، علی رضا و مینایی، فهیمه (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی کیفیت زندگی در شهرهای گردشگری و غیرگردشگری - مطالعه‌ی موردی: شاندیز و چناران. *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۰: ۴۹-۶۴.
- زیاری، کرامت‌اله و رفیعی‌مهر، حسین (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت زندگی شهری بافت حاشیه‌نشین موردشناسی: محله حصار همدان. *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۲۳: ۱۹۹-۲۱۴.
- سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۵). بررسی رابطه سلامت روان و کیفیت زندگی با نقش واسطه‌ای سلامت معنوی در دانشجویان. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲۱: ۵۶۵-۵۸۴.
- شکویی، حسین و دیگران (۱۳۸۳). ارزیابی پایداری اجتماعی در شهر قم. *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۴۳: ۲۷-۴۱.
- شکری، پری و غنی‌پور، مهدی (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل کیفیت محیط زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی - محلات کتی، سادات محله، موزیرج و هفت تن شهر بابل. *سرزمین*، ۵۱: ۵۱-۶۶.
- شکوهی، محمد اجزاء؛ شیرازی، علی و حدادمقدم، زهره (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت زندگی شهری در سکونتگاه غیررسمی پنج‌تن آل‌عبا (التیمور مشهد). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۲۱: ۵۹-۸۰.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۹۱). مطالعه جامعه‌شناسی از سلامت و کیفیت زندگی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۲: ۱-۳۰.
- فتحعلیان، معصومه و پرتوی، پروین (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت‌های خودرو و برنامه‌ریزی شده اسلامشهر (موردپژوهی قائمیه و واوان). *مطالعات تطبیقی هنر*، ۱: ۹۱-۱۰۹.
- قادری، پریسا؛ حافظ رضازاده، معصومه و کریمیان بستانی، مریم (۱۴۰۰). تحلیل توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر چابهار). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۵۰: ۲۱۱-۲۳۱.
- کلدی، علی‌رضا و کبیران عین‌الدین، حمیده (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت با کیفیت زندگی، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران در سال ۱۳۹۲. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۶(۴): ۸۷-۹۶.
- کوکبی، افشین؛ پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، *جستارهای شهرسازی*، ۷: ۶-۱۳.

گوزلی، غلامرضا و جعفری، علی (۱۳۹۸). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان اردبیل. *تغییرات اجتماعی - فرهنگی*، ۶۲: ۷۸-۹۸.

Anand, P., Krishnakumar, J., & Tran, N. B. (2011). Measuring welfare: Latent variable models for happiness and capabilities in the presence of unobservable heterogeneity. *Journal of Public Economics*, 95(3-4), 205-215. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.11.007>

Brambilla, M., Michelangeli, A., & Peluso, E. (2013). Equity in the city: On measuring urban (ine) quality of life. *Urban Studies*, 50(16), 3205-3224.

Das, D. (2008). Urban quality of life: A case study of Guwahati. *Social Indicators Research*, 88(2), 297-310. <https://doi.org/10.1007/s11205-007-9191-6>

Florida, R. (2008). The economic geography of talent. In R. Martin (Ed.), *Economy: Critical essays in human geography* (pp. 410-422). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351159203-14>

Habib, R. R., Mahfoud, Z., Fawaz, M., Basma, S. H., & Yeretziyan, J. S. (2009). Housing quality and ill health in a disadvantaged urban community. *Public Health*, 123(2), 174-181. <https://doi.org/10.1016/j.puhe.2008.11.002>

Hsu, K.-C. (2019). Effect of distinct land use patterns on quality of life in urban settings. *Journal of Urban Planning and Development*, 145(4), 05019016. [https://doi.org/10.1061/\(asce\)up.1943-5444.0000522](https://doi.org/10.1061/(asce)up.1943-5444.0000522)

Koramaz, E. K., & Türkoğlu, H. (2018). Measuring and understanding urban parks' contribution to quality of life in Istanbul. *Social Indicators Research*, 138(1), 335-351. <https://doi.org/10.1007/s11205-017-1657-6>

Lansing, J. B., & Marans, R. W. (1969). Evaluation of neighborhood quality. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(3), 195-199. <https://doi.org/10.1080/01944366908977953>

Marans, R. W., & Stimson, R. (2011). An overview of quality of urban life. In *Investigating Quality of Urban Life* (pp. 1-29). Springer Netherlands.

Mason, M. J., Valente, T. W., Coatsworth, J. D., Mennis, J., Lawrence, F., & Zelenak, P. (2010). Place-based social network quality and correlates of substance use among urban adolescents. *Journal of Adolescence*, 33(3), 419-427. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2009.07.006>

Morais, P., & Camanho, A. S. (2011). Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements. *Omega*, 39(4), 398-409. <https://doi.org/10.1016/j.omega.2010.09.003>

- Moro, M., Brereton, F., Ferreira, S., & Clinch, J. P. (2008). Ranking quality of life using subjective well-being data. *Ecological Economics: The Journal of the International Society for Ecological Economics*, 65(3), 448–460. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2008.01.003>
- Mouratidis, K. (2021a). How COVID-19 reshaped quality of life in cities: A synthesis and implications for urban planning. *Land Use Policy*, 111(105772), 105772. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105772>
- Mouratidis, K. (2021b). Urban planning and quality of life: A review of pathways linking the built environment to subjective well-being. *Cities (London, England)*, 115(103229), 103229. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103229>
- Pal, A. K., & Kumar, U. C. (2005). Quality of life (QoL) concept for the evaluation of societal development of rural community in west bangal, India. *Asia-Pacific Journal of Rural Development*, 15(2), 83–93. <https://doi.org/10.1177/1018529120050205>
- Partridge, M. D. (2010). The duelling models: NEG vs amenity migration in explaining US engines of growth: The duelling models. *Papers in Regional Science: The Journal of the Regional Science Association International*, 89(3), 513–536. <https://doi.org/10.1111/j.1435-5957.2010.00315.x>
- Phillips, D. (2006). *Quality of life: Concept, policy and practice*. Routledge.
- Ryashchenko, S. V., & Gukalova, I. V. (2010). Public health in the system of regional indicators of the quality of life in Russia and Ukraine. *Geography and Natural Resources*, 31(1), 11–17.
- Shapiro, J. M. (2006). Smart cities: quality of life, productivity, and the growth effects of human capital. *The Review of Economics and Statistics*, 88, 324–335.
- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and Urban Planning*, 65(1–2), 5–18.
- Wang, B., Li, X., Stanton, B., & Fang, X. (2010). The influence of social stigma and discriminatory experience on psychological distress and quality of life among rural-to-urban migrants in China. *Social Science & Medicine*, 71(1), 84–92. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2010.03.021>
- Westaway, M. S. (2006). A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop,

Soweto. *Habitat International*, 30(1), 175–189.
<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2004.09.003>

Whitehead, T., Simmonds, D., & Preston, J. (2006). The effect of urban quality improvements on economic activity. *Journal of Environmental Management*, 80(1), 1–12.
<https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2005.01.029>

Wish, N. B. (1986). Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones. *American Journal of Economics and Sociology*, 45(1), 93–100. <https://doi.org/10.1111/j.1536-7150.1986.tb01906.x>